

بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر ترجیح باروری زنان

نعیما محمدی^۱

بتول صیفوری^۲

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۱/۳۰

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۸/۱۳

چکیده

موضوع این مقاله تبیین عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر ترجیح باروری زنان در شهر کرمان است. روش پژوهش از نوع پیمایش و برای آزمون فرضیات از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. نمونه آماری شامل ۳۴۲ زن متأهل شاغل در سازمانهای دولتی شهر کرمان است که با شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. یافته‌های تحقیق نشان داد که نگرش منفی پاسخگویان نسبت به آینده جامعه (۰/۵۱) بیشترین همبستگی را با ترجیح باروری دارد؛ پس از آن سهم فردگرایی (۰/۳۰۵-)، منفعت‌طلبی (۰/۲۴-)، نگرش نسبت به فرزند (۰/۲۹-)، خردگرایی (۰/۱۶-) و رضایتمندی زناشویی (۰/۲۸) محاسبه شده است. متغیرهای میزان مطالعه، تحصیلات، درآمد و استفاده از رسانه به شکل غیر مستقیم ترجیح باروری زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مبتنی بر یافته‌ها مهمترین عامل اثربخش بر ترجیح باروری زنان نگرش منفی آنها نسبت به آینده است که به شکل غیر مستقیم تحت تأثیر میزان درآمد (۰/۴۲)، میزان استفاده از رسانه‌ها (۰/۳۳) و میزان تحصیلات (۰/۳۹) است. پیشنهاد می‌شود با پرداختن به ابعاد معنوی فرزندآوری و تقویت پیامهای امیدبخش در رسانه‌ها و دانشگاه‌ها، نگرش زنان نسبت به باروری مثبت، و از کالاهای شدن پدیده فرزندآوری جلوگیری شود.

کلیدواژه‌ها: ترجیح باروری، نگرش باروری، انگیزه باروری، زنان شاغل.

مقدمه

نگاهی به روند تحولات جهان نشان می‌دهد که در سه دهه اخیر، باروری زنان تغییر چشمگیری نشان داده است به طوری که به زعم گیدنز^۱ «در میان تغییراتی که این روزها در جریان است، اهمیت هیچ کدام به اندازه اتفاقی نیست که در زندگی شخصی افراد شامل روابط جنسی، حیات عاطفی، ازدواج و خانواده در حال وقوع است» (گیدنز، ۱۹۹۹). کشور ایران از جمله کشورهایی است که کاهش شدید باروری را در سالهای اخیر تجربه کرده است. کاهش ۵۰ درصدی باروری نه تنها این کشور را بین کشورهای مسلمان منحصر به فرد کرده است، بلکه چنین رکوردی در هیچ یک از کشورهای دیگر قابل مشاهده نیست (وحیدنیا^۲، ۲۰۰۷).

«انتقال باروری از باروری زیاد به کم» همزمان با نهادینه شدن مفهوم مدرنیزاسیون در جهان به رویدادی عام تبدیل شد. بیشتر کشورهای جهان هم اکنون یا در حال تجربه پدیده کاهش باروری هستند یا به طور کامل آن را تجربه کرده‌اند (واتکینز^۳، ۱۹۸۷). در نیمه دوم قرن بیستم بویژه از اواخر دهه ۱۹۶۰ باروری در بسیاری از کشورهای رو به توسعه سرعت کاهش یافت به طوری که در فاصله سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۵ میزان باروری کل در ۱۲۸ کشور رو به توسعه بیشتر از پنج فرزند برای هر زن بود که از میان آنها ۱۰۰ کشور دارای باروری بیشتر از شش فرزند و ۳۴ کشور دارای باروری بیش از هفت فرزند برای هر زن بود. بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۵ برای کشورهایی که هنوز وارد مرحله انتقالی نشده بودند، متوسط میزان برآورد شده باروری کل برابر با ۶/۷ فرزند و با انحراف معیار ۰/۷ بود. در اواخر قرن و در فاصله سالهای ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰، ۸۰ کشور از جمع کشورهای رو به توسعه به باروری کمتر از ۵ فرزند برای هر زن و حتی ۱۴ کشور به سطح جانشینی یا کمتر از آن رسید (گزارش سازمان ملل^۴، ۲۰۱۵).

ایران همچون بسیاری از کشورهای دنیا پس از جنگ جهانی دوم مراحل انتقال جمعیتی را با کاهش اساسی و مستمر مرگ و میر آغاز کرد. روند رشد جمعیت ایران از گذشته تا به حال نشان می‌دهد که متوسط میزان رشد سالانه جمعیت طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ برابر با ۳/۱ درصد در سال بود؛ در فاصله سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ به ۲/۷ درصد کاهش یافت و به سبب تحولات سیاسی-اجتماعی در سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به ۳/۹ درصد در سال افزایش پیدا کرد. در دهه دوم انقلاب،

1 - Giddens

2 - Vahidnia

3 - Watkins

4 - UNDP Report

موفقیت در برنامه تنظیم خانواده باعث کاهش میزان مولید شد به طوری که رشد جمعیت از ۳/۹٪ به ۱/۲۶٪ در سالهای اخیر رسید (مشفق و حسینی، ۱۳۹۱).

اگرچه سیاستهای دولت درباره کنترل جمعیت کاملاً عوض شده است، پژوهشگران پیش‌بینی کرده‌اند طی ۲۰ سال آینده رشد جمعیت ایران به زیر یک درصد کاهش خواهد یافت (زنجانی ۱۳۸۳: ۱۷). این امر نشانگر تأثیر تحولات اجتماعی و تغییر در نگرشها و ارزشهای ایرانیان در فرایند تحقق مدرنیزاسیون است. در فرایند توسعه و تغییرات اجتماعی «ارزشها و نگرشهای سنتی، که در میان نسلهای پیشین رواج دارد، توسط نسل جوان به طور کامل دنبال نمی‌شود بلکه نسل جدید با جانشین کردن خود به جای افراد نسل قبل، ارزشهای متفاوت خود را نیز جانشین می‌کند و جهان‌بینی متداول در جوامع را همگام با جایگزینی خود، تغییر می‌دهد» (اینگلههارت^۱، ۱۳۸۲). در این میان «ترجیح باروری» به معنای اهمیت سیاست زندگی و افزایش کنترل زوجین در فرایند باروری از پیامدهای گسترش ارزش مدرنیته به‌شمار می‌رود که مسئله اصلی این پژوهش است.

زنان به عنوان مهمترین سوژه ترجیح باروری در جامعه فعلی ایران به انتخابهایی در سیاست زندگی دست زدند. حضور پررنگ آنها در عرصه آموزش و اشتغال یکی از مهمترین عواملی است که روند تغییرات خانواده و باروری را به‌طور گسترده‌ای تحت تأثیر قرار داده است. استقبال زنان از آموزش از یک‌سو وضع ساختاری زندگی خانوادگی و روابط میان اعضای خانواده را دگرگون کرده است (کانداویوا بوتال^۲، ۲۰۰۸: ۱۰۱). از سوی دیگر تقاضای آنها برای مشارکت اقتصادی و حضور در بازار کار را افزایش داده به طوری که عامل مؤثری در کاهش میل به فرزندآوری را موجب شده است (مک‌دونالد^۳، ۲۰۰۰). افزایش سطح تحصیلات باعث افزایش سن ازدواج (۲۳/۳ سال میانگین سن ازدواج در شهر کرمان برای زنان) و در پی آن، کاهش سالهای زندگی زناشویی می‌شود و با توجه به محدود بودن سالهایی که زنان توان باروری دارند (۱۵ - ۴۹ سال)، میزان باروری کاهش می‌یابد (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۹). آموزش مهمترین راه تغییر ارزش و نگرش زنان نسبت به خانواده و نقش زنان در جامعه مدرن شده است. آمار و ارقام نشان‌دهنده بازنگری زنان تحصیل کرده در تصمیم‌گیریهای مربوط به ترجیح و فاصله باروری است (آشفته، ۱۳۷۲: ۱۰۲). رشد ارزشهای جامعه مدرن شامل تفکر فردگرایی، منفعت‌طلبی،

رضایتمندی یا لذت‌جویی و خردگرایی در جامعه ایران در حال گسترش و تعمیم به جامعه زنان است به طوری که هافستد^۱ (۱۹۹۴) می‌نویسد: «رتبه فردگرایی در ایران کمی بیش از متوسط سطح جهان است». گسترش فردگرایی موجب توجیه سبک‌های جدید زندگی نظیر تنها زیستن، (همباشی)، (عقد سفید)، زندگی بدون فرزند، طلاق و... است که جملگی بر رفتار باروری تأثیر دارد (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۹؛ رستگار خالد و محمدی، ۱۳۹۴).

با توجه به شیوه غالب تفکر و وضعیت اجتماعی زنان در جامعه حال حاضر ایران، مسئله ترجیح باروری به معنای کاهش مستمر زاد و ولد و دوره انتقال باروری طبیعی به باروری کنترل‌شده بتدریج ساختار سنی جمعیت را از وضعیت جوانی، خارج می‌کند و به طرف سالخوردگی سوق می‌دهد (زنجان، ۱۳۸۳: ۸۹؛ حسینی و بگی، ۱۳۹۱)؛ به این ترتیب، موضوع دیگر انتخاب شخصی نیست بلکه مسئله‌ای اجتماعی است که بشدت تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی قرار گرفته است. در این مطالعه با توجه به تغییرات جمعیتی دهه‌های اخیر به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی مختلف بر ترجیح باروری زنان شهر کرمان پرداخته می‌شود. نظر به آنچه مطرح شد، سؤال اصلی تحقیق این است که: "چگونه عوامل اجتماعی بر ترجیح باروری زنان شاغل شهر کرمان تأثیر گذاشته است؟"

در سالهای اخیر، باروری زنان در ایران موضوع پژوهشهای نسبتاً زیادی قرار گرفته است. در برخی از این پژوهشها به تأثیر رسانه‌ها بر ترجیحات باروری اشاره شده است (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۹؛ قدرتی و دیگران، ۱۳۹۰؛ عنایت موحد، ۱۳۹۰).

دسته‌ای دیگر از مطالعات به تغییر نقش اجتماعی و اقتصادی زنان و تأثیر آن بر رفتار باروری آنها اشاره کرده‌اند (عباسی شوازی، ۲۰۰۶؛ جوادی نیا، ۱۳۸۸؛ حسینی و بگی، ۱۳۹۱). در تمامی این مطالعات افزایش استقلال اقتصادی زنان در کنار بهبود پایگاه اجتماعی، این گروه را عوامل اصلی ترجیح باروری معرفی کرده‌اند؛ اما آنچه در این مطالعه مدنظر است، بررسی پیامدهای مدرنیته در زندگی اجتماعی زنان و بویژه نگرش و رفتار آنها درباره پدیده باروری است. از این رو مهمترین بروندهای سبک زندگی مدرن مورد بررسی قرار گرفته است. شایان ذکر است، پژوهشهایی در ایران هست که برخی متغیرهای مدرنیته را می‌سنجد؛ از جمله می‌توان به پژوهشی اشاره کرد که تنها به فردگرایی و تأثیر آن بر باروری زنان پرداخته است؛ اما در این تحقیق،

ترکیبی از پیامدهای مختلف مدرنیته مورد بررسی قرار گرفته که در ارتباط متقابل با یکدیگر بر نگرش و رفتار باروری زنان در کرمان تأثیر گذاشته است (خلج‌آبادی فراهانی و سرایی، ۱۳۹۲).

ترجیح باروری زنان در این پژوهش با استمداد از نظریه ساخت‌بندی آنتونی گیدنز و توجه به پیامدهای مدرنیته در سیاست‌زدگی تبیین جامعه‌شناختی شده است. در تدوین فرضیات پژوهش از مبانی نظری مکتب عقلانیت اقتصادی، نظریه اشاعه و نظریه مبادله نیز استفاده شده است.

نظریه ساخت‌بندی گیدنز، پیامدهای مدرنیته و سیاست‌زدگی: در سالهای اخیر، آنتونی گیدنز از گردونه خردکننده‌ای به نام «مدرنیته» سخن می‌گوید که ساختار و عاملیت را همزمان و طی کنش متقابل تحت تأثیر قرار داده است. از آنجا که بر اساس نظریه ساخت‌بندی گیدنز افراد توانایی تعدیل ساختارهای محدودیت‌بخش را از طریق رفتارهای بازاندیشانه دارند در جامعه کنونی، هویت‌های شخصی و بازاندیشانه^۱ ظهور کرده که ویژگی عمده آنها قدرت بازتابندگی و ایجاد نهادهای نوین اجتماعی در سطح جهان است. افراد با تکیه بر دانش و اطلاعات به زندگی روزمره خود معنای تازه‌ای می‌دهند. گیدنز در توصیف جامعه مدرن قائل به مخاطرات زیادی است؛ از این رو، آن را «جامعه خطر پذیر» می‌نامد که با ویژگی‌هایی نظیر فاصله‌گیری، بی‌ریشگی و بازاندیشی قابل شناسایی است؛ جامعه‌ای که در آن مراودات چهره به چهره کم می‌شود و نظامهای تخصصی وارد خصوصی‌ترین روابط انسانی می‌شوند. در این جامعه پول و منفعت به‌عنوان مهمترین نمادهای زندگی جایگزین معاملات کالا به کالا، و عرصه اعتماد روز به روز کمتر می‌شود. گیدنز با استفاده از اصطلاح زمان و مکان، الگوهایی از حرکات روزمره مردم و کنش متقابل آنها ترسیم می‌کند که در جریان آن حتی نظامهای تخصصی قادر به کنترل وضعیت به وجود آمده نیستند. او معتقد است تجدد کنونی با اثرگذاری بر «امنیت هستی‌شناسی»، «اضطراب وجودی»، «مسیر خود» و «مصادره تجربه» به ظهور سیاست جدیدی در زندگی انسان منجر شده و از طریق تعداد انتخابهای بیشتر به افراد، امکان خلق شیوه‌های مختلف زندگی را به‌وجود آورده و این یکی از مهمترین ویژگی‌های متمایزکننده تجدد است (کسل، ۱۳۸۷: ۱۳۷). تغییرات در موضوع ترجیح باروری زنان تحصیل کرده و شاغل، که همگام با جهانی شدن، روند زندگی شخصی خود را تغییر داده‌اند از این جمله است. گیدنز معتقد است، مدرنیته متأخر امکاناتی در اختیار افراد قرار داده که مبنای عقل و رضایت شخصی افراد در زندگی با تنش و گمراهی روبه‌رو شده است

به طوری که دیگر نظامهای کارشناسی هم قادر به برنامه‌ریزی برای افراد جامعه نیستند. از آنجا که هر تصمیمی نوعی خاص از خطرپذیری را به همراه خواهد داشت در جامعه فعلی ایران معانی از زندگی خصوصی در حال شکل‌گیری است که در آن بیش از هر زمان دیگری احساس خطر و ترس از امنیت وجودی افزایش یافته است. این عنصر احساسی و ارزشی نوعی نگرش منفی در افراد نسبت به آینده ایجاد کرده و کنشهای آینده آنها را تحت تأثیر قرار داده است. اگرچه گیدنز مستقیماً به پیامدهای مدرنیته بر ترجیح باروری اشاره نمی‌کند با تأکید بر سیاست زندگی و زندگی روزمره به توان اثرگذاری این فضا بر آگاهی عملی کنشگران اشاره می‌کند. با توجه به پیامدهای کلی مدرنیته در این نظریه به بررسی ابعاد دیگر آن در سایر مکاتب نظری اشاره می‌شود:

نظریه عقلانیت اقتصادی: نظریه لیبنشتاین^۱ بر این فرض مبتنی است که منفعت یا عدم منفعت اقتصادی فرزندان عاملی است که باعث می‌شود والدین تصمیم بگیرند که چه تعداد فرزند داشته باشند. از اینرو ایجاد نوعی تعادل بین رضامندی اقتصادی و هزینه نگهداری فرزند، زیربنای اصل نگرش مردم در مورد تعداد فرزندان را تشکیل می‌دهد. براساس این نظریه، سه نوع منفعت و دو نوع هزینه در مورد فرزندان وجود دارد.

منفعت‌ها شامل

- ۱ - کالا بودن فرزند به عنوان منبع لذت برای والدین
- ۲ - نیروی کار بودن فرزندان
- ۳ - تأمین و نگهداری والدین در پیری یا بیماری و یا از کارافتادگی

هزینه‌ها شامل:

- ۱ - هزینه‌های مستقیم شامل نگهداری و مراقبتهای مختلف از فرزند تا زمانی که به مرحله وسعت اقتصادی برسد.
- ۲ - هزینه‌های غیرمستقیم که به فرصتهایی مربوط می‌شود که مادران به دلیل نگهداری طفل خویش از دست می‌دهند (زنجان، ۱۳۸۹).
- لیبنشتاین نتیجه می‌گیرد که اگر نتایج اقتصادی وجود فرزند از هزینه‌های دوگانه بیشتر باشد، خانواده انگیزه پیدا می‌کند که فرزند بیشتری داشته باشد (جهانفر، ۱۳۷۶: ۳۷).
- گری بکر^۲ (۱۹۶۰) نیز بیان کرد که رفتار باروری خانواده تحت تأثیر رفتار اقتصادی آنان

1 - Leibenstein
2 - Becker-G

است. همان‌گونه که خانواده در زمینه خرید یک کالا به گزینش عقلانی دست می‌زند در مورد داشتن فرزند اضافی نیز بر پایه نوعی تعادل عقلانی بین ترجیح و سلیقه‌های خود و میزان درآمد و هزینه‌های فرزند اقدام می‌کند (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۹). طبق این نظریه تصمیم آنها حائز دو شرط عمده است:

۱ - تصمیم‌گیری عقلایی

۲ - در نظر داشتن سودمندی - هزینه

او هم‌چنین خاطر نشان می‌کند که دولت‌ها به منظور اجرای سیاست‌های جمعیتی می‌توانند از طریق بررسی همزمان سودمندی و هزینه‌های گوناگون نگهداری فرزند با شهروندان خود به توافق عقلانی برسند (عسگری ندوشن و دیگران ۱۳۹۱).

نظریه اشاعه: فرض اساسی این دیدگاه این است که گسترش افکار، نگرشها، اطلاعات، ارزشها، فناوری، مهارتها و گونه‌های جدید رفتار موجب تغییر افکار و ارزشها می‌شود. این روند از طریق راه‌های مختلف مانند رسانه‌های جمعی، خانواده، گروه دوستان، تجارت، مبادله فناوری، مهاجرت، گردشگری و با ایجاد تغییر در ساختار ارزشی و نهادی جامعه (تغییر تقدیرگرایی به کنترل بر سرنوشت، رشد فرد گرایی، سکولاریزم، عقلانیت و بینش فرامحلی و تضعیف سلطه نهادها، بینش دینی و سنتی) فکر شهروندان را به مفهوم پیشگیری، استفاده از وسایل پیشگیری، کوچک کردن خانواده و کنترل مولید تغییر می‌دهد و آنها را برای پذیرش تنظیم خانواده آماده می‌کند (بیکر^۱، ۲۰۱۳؛ عباسی شوازی و علی‌مندگاری، ۱۳۸۹). این نظریه بر نقش رهبران فکری شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات بین همسران در گسترش فکر جدید تأکید می‌کند (ضیائی بیگدلی، کلانتری، و علی زاده اقدام، ۱۳۸۵). بر اساس این دیدگاه، تفاوتها و تغییرات سطوح باروری با عوامل اقتصادی و جبر ساختاری ارتباط زیادی ندارد بلکه این تفاوت‌های فرهنگی و گسترش دانش و افکار جدید است که انتقال باروری را تبیین می‌کند (طاهریان فرد، ۱۳۸۳). بونگارت^۲ و واتکینز^۳ (۱۹۹۶) بر این باورند که این فرایند ابتدا در مناطق شهری و شهرهای بزرگ و سپس در شهرهای کوچک و مناطق روستایی اتفاق می‌افتد (کاوه فیروز، ۱۳۶۷). عنصر دیگر این نظریه، تفاوت‌های طبقاتی به لحاظ زمان کاهش و پذیرش کنترل منابع مولید است؛ بدین مفهوم که این فرایند ابتدا در میان

طبقات بالا یا متوسط رخ می‌دهد و سپس به درون طبقات دیگر سرایت می‌کند (عنایت و موحد، ۱۳۹۰).

نظریه مبادله: پیتر بلاو^۱ با طرح نظریه «نفع شخصی» ترجیح می‌دهد، مضمون مبادله اجتماعی را به تعامل ارادی محدود سازد و اعمالی را از این قلمرو بیرون براند که ناشی از زور و یا ندای وجدان است. اصطلاح مبادله اجتماعی در اندیشه بلاو به رفتار اراده فرد اطلاق می‌شود که انگیزه‌اش دریافت پاداشی است که وی انتظار برآورده شدنش را دارد. بلاو تأکید می‌کند که نفع فردی و نه مسائل هنجاری و اخلاقی «شرط ضروری مبادله» به شمار می‌رود. افراد تعهدات خود را در برابر خدمات گذشته بدین سبب انجام می‌دهند که در آینده نیز از آنها بهره‌مند شوند. بنابراین آغازگر مبادله سودی است که فرد انتظار دارد از روابط مبادله (مثلاً رفتار باروری) به دست آورد» (فولادی، ۱۳۹۰). در جامعه فعلی، که ارزشهای آن اعضای جامعه را به سمت کنشهای عقلانی معطوف به هدف فردی پیش می‌برد، منفعت مهمترین عامل تعیین کننده رفتار افراد است. «به‌زعم بلاو، یقیناً افرادی هستند که با از خودگذشتگی و بدون انتظار هیچ‌گونه پاداش و سودی برای دیگران کار می‌کنند؛ ولی این گروه از افراد کم‌شمار هستند. به‌طور آشکار در زندگی اجتماعی، اعضای جامعه هم می‌خواهند برای هم مفید باشند و هم زیر سایه روابط اجتماعی که خلق می‌کنند به نیازهای خود پاسخ متقابل بدهند (فروتن، ۱۳۸۷). در این میان پدیده باروری در جامعه جدید به کنشی یکطرفه مبدل شده است که در آن فرزندان، کارکردهای پیشین خود را از دست داده‌اند. اگر در گذشته انتظار می‌رفت فرزندان خدماتی نظیر دستگیری از والدین را انجام دهند، امروزه بنا به مقتضیات زمان و مکان نمی‌توان انتظار داشت فرزندان عصای دست روزگار پیری باشند.

طبق این نظریه اگرچه والدین با از خودگذشتگی مسیر سخت فرزندآوری را طی می‌کنند از آنجا که در پس این از خودگذشتگی ظاهری، نوعی «خودگرایی نهفته» وجود دارد و انتظارات والدین برآورده نمی‌شود، نگرش منفی برای ادامه این مبادله دور از انتظار نیست؛ زیرا بیشتر اوقات گرایش کمک به دیگران، تحت تأثیر این انتظار است که انجام دادن آن، پاداشهای اجتماعی را در پی خواهد داشت (منصوریان و خوشنویس، ۱۳۸۵). در این پژوهش، ترجیح باروری زنان با توجه به هفت اصل در نظریه بلاو تبیین می‌شود:

اصل اول: هرچه در روند مبادله‌ای نفع بیشتری عاید شخص شود، احتمال اینکه آن شخص آن

فعالیت را بروز دهد، بیشتر است.

اصل دوم: هرچه شخصی، پاداشهای بیشتری را با دیگری مبادله کند، احتمال اینکه وظایف دو طرفه‌ای بین آنها به وجود آید و مبادلات بعدی را هدایت کند، بیشتر است.

اصل سوم: هرچه وظایف طرفین داد و ستد در هر مبادله بیشتر نقض شود، امکان ورود شخص به مبادله کمتر می‌شود.

اصل چهارم: هرچه پاداشهای مورد انتظار بیشتری از هر فعالیت بیرون آید، مبادله با ارزشتر می‌شود.

اصل پنجم: هرچه روابط مبادله‌ای بیشتری برقرار شود، تمایل بیشتری برای اداره مناسب، توسط هنجارهای مبادله وجود دارد.

اصل ششم: هرچه هنجارهای مشروع در هر مبادله، کمتر تحقق یافته باشد، طرفین نگرش منفی تری برای ادامه روند مبادله دارند.

اصل هفتم: هرچه روابط مبادله‌ای بین واحدهای اجتماعی باثبات و متعادلتر باشد، احتمال اینکه دیگران وارد مبادلات مشابه شوند، بیشتر می‌شود (کثیری، ۱۳۸۷).

نظریه نظام کنش: پارسونز^۱ یکی از نظریه پردازان نهادگرا است که به تحلیل نظامهای کنش - ارگانسم رفتاری، نظام شخصیتی، نظام اجتماعی و نظام فرهنگی - در روابط خانوادگی می‌پردازد. او در بررسی تغییراتی که درون خانواده اتفاق می‌افتد به نظام شخصیت توجه می‌کند. نظامی که در نظریه فروید، «خود» و «فراخود» نام‌گذاری شده است. «خود» به بحث وراثتی و ژنتیکی کنشگر اشاره دارد و «فراخود» دارای جنبه‌های اجتماعی است. در این نظریه زنان، دارای «نقشهای بیانگر»^۲ و مردان دارای «نقشهای ابزاری»^۳ هستند. از این رو مبنای رضایتمندی برای زنان و مردان در خانواده به گونه‌ای متفاوت تعیین می‌شود (پارسونز، ۱۹۹۸: ۸۹). او تمایلات را غرایزی می‌نامد که در روند کنش در موقعیت‌های اجتماعی به دست می‌آید. در الگوی ۱ ارزشها و تمایلات میان زوجین در روابط خانوادگی نشان داده شده است.

موفقیت ^۲	قدردانی ^۱
انصاف ^۴	انسجام اخلاقی ^۳

الگوی ۱: ارزشها و تمایلات در نظام شخصیتی

او الگوهای ارزشی خاصی را مطرح می‌کند که می‌توان آن را از دیدگاه عینی و گرایشی مورد بررسی قرار داد. در الگوی ۲ پارسونز نشان می‌دهد که در هر بخش از نظام کلی (خرده نظامها) منابعی به‌عنوان درونداد برای سامانه در نظر گرفته شده که هر یک دارای برونداد مشخصی از سامانه است. بر مبنای این الگو، رضایت، برونداد خرده نظام انگیزشی درونی شده که حاصل پاداشهایی از نوع تمجید اجتماعی است. بنابراین به اعتقاد پارسونز در چارچوب نظام شخصیتی، اگر به عنوان انگیزه به فردی پاداشهایی از نوع تمجید در حالتی داده شود که خود وی این نوع تمجیدها را باور کرده باشد، روابطی مبتنی بر رضایتمندی به دست آید و دریافت‌کننده این نوع تمجید به تکرار آن رفتار حاضر است (پارسونز، ۱۹۹۵: ۱۱۵). براساس تعاریف پارسونز در قالب کلی نظام شخصیتی نیز بین حالت خوشایندی و رضایت تمایز وجود دارد. از آنجا که او سامانه‌های اجتماعی را به شکل معنی‌داری از یکدیگر جدا می‌کند، رضایت در معاملات اقتصادی، پیروزی در انتخابات حزبی، خرسندی از ارتقای درجه سازمانی با رضایت از زندگی زناشویی معانی مختلفی می‌دهد. با در نظر گرفتن این تعاریف می‌توان به این نتیجه رسید که رضایتمندی در نظام شخصیتی پیدا می‌شود؛ اما بشدت تحت تأثیر عوامل اجتماعی است. از این رو چنانچه رفتاری مورد پذیرش اجتماعی باشد در روابط خانوادگی نیز مورد تمجید قرار می‌گیرد و با نوعی خوشایندی روبه‌رو می‌شود.

-
- 1 - Appreciation
 - 2 - Achievement
 - 3 - Moral interior
 - 4 - Ascription

۱ - پادشهای موقعیتی ^۱ ۲ - خوشایندی ^۲	۱ - امکانات و وسائل بر مبنای موقعیت ^۳ ۲ - موفقیت ^۴
۱ - پادشهای خودشیفتگی ^۵ ۲ - رضایت ^۶	۱ - محتوای الگوی برای حفظ تمایلات درونی شده ^۷ ۲ - فضیلت ^۸
۱ - انواع درونداد ۲ - انواع برونداد	

الگوی ۲: عوامل درونداد و برونداد در سامانه شخصیتی

فرضیه اصلی پژوهش: ترجیح باروری زنان تابعی از عوامل اجتماعی است.

فرضیات فرعی:

ترجیح باروری زنان تابعی از میزان خردگرایی زنان است.

ترجیح باروری زنان تابعی از میزان منفعت‌طلبی زنان است.

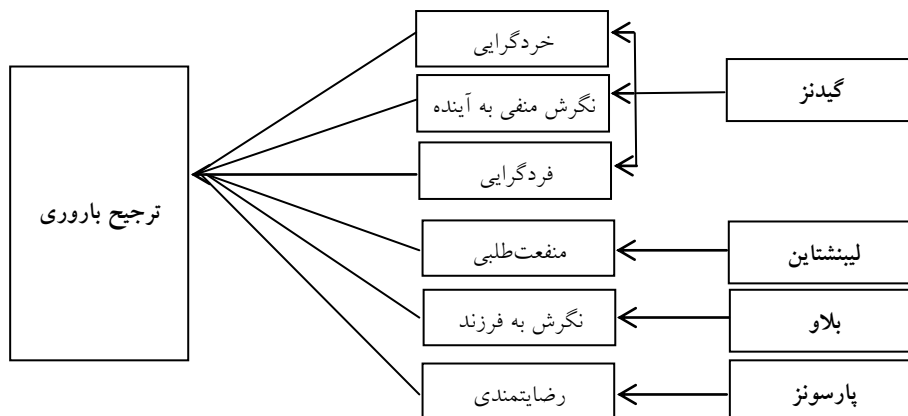
ترجیح باروری زنان تابعی از میزان فردگرایی زنان است.

ترجیح باروری زنان تابعی از میزان رضایتمندی زنان از روابط زناشویی است.

ترجیح باروری زنان تابعی از میزان نگرش زنان نسبت به فرزند است.

ترجیح باروری زنان تابعی از نگرش منفی نسبت به آینده است.

-
- 1 - Situational Rewards
 - 2 - Gratifications
 - 3 - Facilities
 - 4 - Achievement
 - 5 - Narcissistic Reward
 - 6 - Satisfaction
 - 7 - Attend - content
 - 8 - Accomplishment



نمودار ۱: الگوی نظری پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری این تحقیق شامل زنان متأهل و شاغل در بخش دولتی شهر کرمان است که حدود ۵۵۶۹۳ نفر گزارش شده است. برای تعیین حجم نمونه از جدول مورگان و فرمول کوکران استفاده شده است.

در پژوهش برآورد حجم نمونه برای شهر کرمان ۳۴۲ است. مناسبترین روش نمونه‌گیری برای تحقیق، نمونه‌گیری خوشه‌ای است. در این روش نمونه‌گیری با توجه به هدف اصلی تحقیق، زنان شاغل در سازمانهای مختلف به ۱۳ شاخه اصلی تقسیم شدند؛ سپس پنج خوشه تصادفی انتخاب، و از زنان متأهل واجد شرایط خواسته شد تا به تکمیل پرسشنامه بپردازند.

جدول ۱: حجم نمونه با توجه به تفکیک سازمان

ردیف	سازمانهای انتخابی	تعداد نمونه
۱	معلمان و استادان دانشگاه	۹۹
۲	کارکنان بانکها	۶۸
۳	نیروی انتظامی	۵۶
۴	پزشکان	۷۰
۵	وکیلان	۴۹
	جمع	۳۴۲

در پژوهش از دو شیوه برای سنجش روایی تحقیق شامل روایی صوری و سازه (با استفاده از

شیوه تحلیل عاملی) استفاده شده است؛ بدین منظور ابتدا گویه‌های مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته طرح و در قالب پرسشنامه تنظیم شد و در اختیار صاحب‌نظران قرار گرفت تا نظر خود را درباره امکان سنجش آنها و رعایت نکات دستوری و نگارشی اعلام کنند. در این مرحله با توجه به دیدگاه‌ها، تعدیل و حذف برخی گویه‌ها صورت گرفت. پس از اعتبار صوری، سنجش روایی شاخصها در دو مرحله مقدماتی و آزمون نهایی انجام گرفت. ضریب پایایی متغیرها نیز با توجه به ضریب آلفای کرونباخ در جدول ۲ گزارش شده است:

جدول ۲: ضریب پایایی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
رضایتمندی زناشویی	۰/۷۹
فردگرایی	۰/۷۶
منفعت‌طلبی	۰/۸۳
خردگرایی	۰/۸۹
نگرش منفی به آینده	۰/۷۴
نگرش نسبت به فرزند	۰/۷۰
ترجیح باروری	۰/۷۲

با توجه به اینکه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۷ به دست آمده است، می‌توان استنتاج کرد ابزار تحقیق پایا و قابل اعتماد است.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی: میانگین سن پاسخگویان ۳۳/۲۶، سن ازدواج ۳۷/۵ سال، سالهای ازدواج پنج سال و تحصیلات پاسخگویان ۱۶ کلاس (لیسانس) به دست آمد. ترجیح ۱۱/۱ درصد از زنان بدون فرزند بودن است؛ ۴۶ درصد ترجیح می‌دهند یک فرزند داشته باشند و ۴۲/۹ درصد از پاسخگویان داشتن دو فرزند را مطلوب معرفی کردند. ۲۷/۸ درصد از پاسخگویان در زمینه ترجیح فاصله سنی فرزندان کمتر از دو سال، ۳۹/۳ درصد بین ۲ تا ۴ سال، ۱۷/۸ درصد بیش از چهار سال و ۱۵/۱ درصد دوقلو زایی را عنوان کردند. ۲۹/۳ درصد از پاسخگویان عنوان کردند در صورت بارداری ناخواسته به سقط جنین دست می‌زنند. یافته‌های توصیفی هم‌چنین به بررسی واقعیت

باروری پاسخگویان پرداخت. یافته‌ها نشان داد که ۲۸/۴ درصد از پاسخگویان فاقد فرزند، ۳۹/۳ درصد یک فرزند، ۲۵/۸ درصد بین دو تا ۴ فرزند و تنها ۶/۵ درصد بیش از ۴ فرزند داشتند. بر اساس این یافته‌ها، ظهور مفهوم ترجیح کم‌فرزندآوری و کاهش میزان باروری واقعی در زوجین مشهود است. طبق یافته‌ها مهمترین علتهای کاهش باروری به ترتیب عبارت است از: نگرش منفی نسبت به آینده (۲۶/۷)، نبودن منفعت در فرزندآوری (۲۳/۸)، نگرش نسبت به فرزند (۱۸/۴)، عدم توجه عقلانی (۱۰/۱)، رضایت نداشتن از زندگی زناشویی (۱۱/۹) و روحیه فردگرایی (۹/۱). این یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه نگرش مثبت نسبت به فرزند نزد زنان شاغل در جامعه ایران هست، ترجیح باروری بشدت تحت تأثیر نگرش نسبت به باروری و مادی شدن این امر است. یافته‌های استنباطی: در یافته‌های استنباطی نسبت میان متغیر وابسته (ترجیح باروری) با متغیرهای مستقل و زمینه‌ای تحقیق تبیین شده است. در جدولهای ذیل رابطه متغیرهای مستقل و وابسته نشان داده شده است:

جدول ۳: رابطه متغیرهای مستقل و ترجیح باروری

ضریب همبستگی پیرسون		تعداد مشاهدات	متغیرهای مستقل
Sig.	مقدار		
۰/۰۰۱	۰/۲۸	۳۸۲	رضایتمندی زناشویی
۰/۰۲۱	-۰/۳۰۵	۳۸۲	فردگرایی
۰/۰۰۰	-۰/۲۴	۳۸۲	منفعت‌گرایی
۰/۰۰	-۰/۱۶	۳۸۲	خردگرایی
۰/۰۱۰	۰/۲۹	۳۸۲	نگرش نسبت به فرزند
۰/۰۰۰	۰/۵۱	۳۸۲	نگرش منفی به آینده
۰/۰۰۰	-۰/۳۶۶	۳۸۲	میزان تحصیلات
۰/۰۰۰	۰/۰۸۹	۳۸۲	میزان استفاده از رسانه‌ها
۰/۰۰۰	-۰/۲۵۱	۳۸۲	میزان مطالعه
۰/۰۰۰	-۰/۴۰۹	۳۸۲	درآمد خانواده
۰/۰۰۰	-۰/۳۰۳	۳۸۲	سن ازدواج
۰/۰۰۰	-۰/۳۴۴	۳۸۲	طول زناشویی

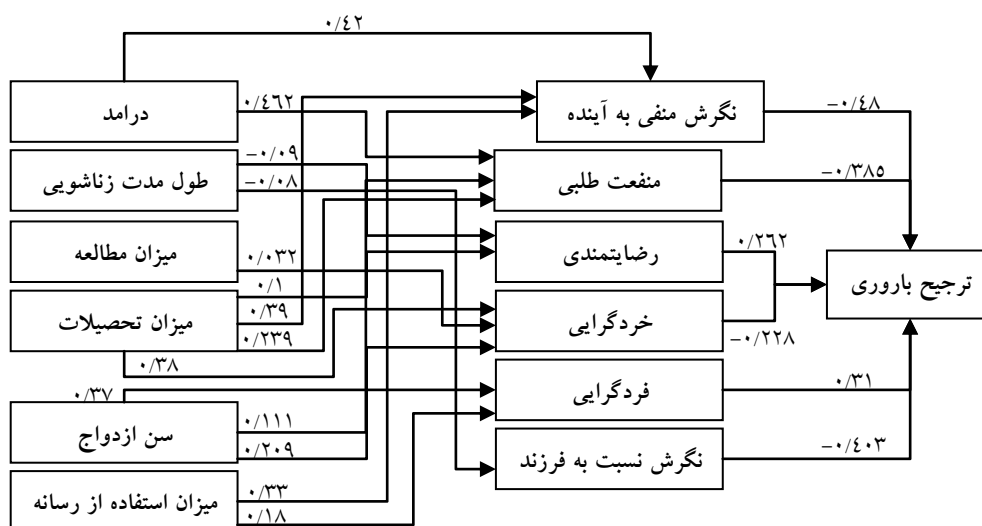
ارقام جدول ۳ نشان می‌دهد فردگرایی، منفعت‌گرایی، خردگرایی، میزان تحصیلات، میزان

مطالعه، درآمد، سن ازدواج و طول زناشویی رابطه معنادار و معکوسی با ترجیح باروری دارد؛ یعنی هرچه میزان فردگرایی، منفعت‌گرایی، خردگرایی، میزان تحصیلات، میزان مطالعه، درآمد، سن ازدواج و طول زناشویی افزایش می‌یابد، ترجیح فرد برای باروری کاهش پیدا می‌کند. رضایتمندی زناشویی و میزان استفاده از رسانه‌های داخلی با ترجیح فردی پاسخگویان به باروری رابطه معنادار و مثبت دارد؛ یعنی به منظور بررسی نوع رابطه میان متغیرهای مستقل و زمینه‌ای با متغیر وابسته به تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر ترجیح باروری پرداخته می‌شود.

جدول ۴: ضرایب رگرسیون عوامل مؤثر بر ترجیح باروری

متغیرها	Beta	F	R Square (تیین)	Sig
رضایتمندی زناشویی	۰/۲۶۲	۴۴/۶۷۶	۰/۲۱۸	۰/۰۰۰
فردگرایی	-۰/۴۰۳	۶۳/۱۴۵	۰/۴۱۴	۰/۰۰۰
منفعت‌گرایی	-۰/۳۸۵	۴۹/۸۷۳	۰/۲۷۴	۰/۰۰۰
خردگرایی	-۰/۲۲۸	۴۵/۸۷۷	۰/۲۲۷	۰/۰۰۰
نگرش نسبت به فرزند	۰/۳۱	۵۱/۱۲۹	۰/۳۶۴	۰/۰۰
نگرش منفی به آینده	-۰/۴۸	۷۲/۱۸۴	۰/۴۹۷	۰/۰۰

اعداد جدول ۴ نشان‌دهنده ضرایب تأثیر الگوی نهایی متغیرهای تبیین‌کننده ترجیح باروری در این پژوهش است. هم‌چنانکه در این الگو نشان داده شده است، ضریب بتا برای تبیین میزان ترجیح باروری زنان بر اساس متغیرهای رضایتمندی زناشویی با مقدار (۰/۲۶۲-)، فردگرایی (۰/۴۰۳-)، منفعت‌گرایی (۰/۳۸۵-)، خردگرایی (۰/۲۲۸-)، نگرش نسبت به فرزند (۰/۳۱) و نگرش منفی به آینده (۰/۴۸-) محاسبه می‌شود. متغیرهایی که ذکر شد با ترجیح باروری رابطه مستقیمی نشان داد. با توجه به ضرایب مشخص است که نگرش منفی به آینده و فردگرایی با افزایش فردگرایی با شدت بیشتری بر ترجیح باروری اثر می‌گذارد. نمودار حاصل از تحلیل مسیر (نمودار ۲) نشان می‌دهد که میزان درآمد، استفاده از رسانه‌ها، مطالعه، سن ازدواج و طول زناشویی به صورت غیر مستقیم بر ترجیح باروری اثر می‌گذارد.



نمودار ۲: تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر ترجیح باروری

اعداد نمودار ۲ نشان می‌دهد با افزایش میزان درآمد (۰/۴۶۲) منفعت‌گرایی افزایش می‌یابد و این متغیر با شدت -۰/۳۸۵ به کاهش ترجیح باروری منجر می‌شود. با افزایش طول مدت زناشویی (۰/۰۹-) میزان رضایتمندی از زندگی زناشویی کاهش می‌یابد؛ اما رضایتمندی با شدت ۰/۲۶۲ بر ترجیح باروری اثر می‌گذارد. طول مدت زناشویی (۰/۰۸-) هم‌چنین از طریق تأثیر بر نگرش نسبت به فرزند متغیر وابسته را تحت تأثیر قرار می‌دهد. میزان مطالعه (۰/۰۳۲)، تحصیلات (۰/۳۸) و سن ازدواج (۰/۲۰۹) از طریق خردگرایی، ترجیح باروری را تبیین می‌کنند؛ اما متغیر میزان تحصیلات از چند جهت بر ترجیح باروری اثر دارد؛ با شدت (۰/۱) از طریق تأثیری که بر رضایتمندی زناشویی دارد بر ترجیح باروری اثر می‌گذارد؛ با شدت (۰/۲۳۹) از طریق منفعت‌گرایی متغیر وابسته را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ با شدت (۰/۴۱) از طریق فردگرایی و نهایتاً با بیشترین شدت (۰/۳۹) از طریق نگرش منفی نسبت به آینده بر ترجیح باروری اثر می‌گذارد. هم‌چنین میزان استفاده از رسانه (۰/۱۸) از طریق تأثیر بر فردگرایی قادر به تبیین ترجیح باروری است.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد، باروری به مثابه کنش زیستی و اجتماعی در جامعه ایران طی سی سال گذشته روند معقول و ثباتمندی را طی نکرده است. در این نوشتار ترجیح باروری بر اساس روابط دیالکتیکی میان فرد و جامعه مطالعه شد. در حالتی که عدم تمایل به فرزندآوری به عنوان توافق جمعی^۱ در جامعه کنونی ایران به وقوع پیوسته است به نظر می‌رسد بچه‌دار شدن دیگر، تصادفی و احتمالی نیست؛ بلکه اقدامی داوطلبانه و دراز مدت است و زوجین با دقت بیشتری رفتار باروری را در اختیار گرفتند و به صورت برنامه‌ریزی شده عمل می‌کنند. ترجیح باروری در معنای اجتماعی، کنشی بازاندیشانه، برنامه‌ریزی شده و حسابگرانه به منظور فرزندآوری تلقی می‌شود که تحت تأثیر عوامل مختلف فردی و اجتماعی است. با توجه به یافته‌های این پژوهش ترجیح باروری نه تنها به عوامل فردی منحصر نیست بلکه بشدت تحت تأثیر درک مادران از اوضاع اجتماعی و اقتصادی جامعه است.

براساس یافته‌های توصیفی این پژوهش در وضعیتی که ترجیح ۱۱/۱ درصد از زنان بدون فرزند بودن است، ۴۶ درصد ترجیح می‌دهند یک فرزند داشته باشند و ۴۲/۹ درصد از پاسخگویان داشتن دو فرزند را مطلوب معرفی کردند، مسئله‌ای جامعه‌شناختی هست که لازم است ابعاد و عوامل آن بررسی شود. از این رو به میزان تأثیر متغیرهایی نظیر میزان فردگرایی، منفعت‌طلبی، خردگرایی، رضایتمندی از زندگی زناشویی، نگرش نسبت به فرزند و نگرش منفی به آینده، میزان تحصیلات، استفاده از رسانه، مطالعه، درآمد، سن ازدواج و طول زناشویی پرداخته شده است. یافته‌های مربوط به تحلیل مسیر نشان می‌دهد اگر چه میزان فردگرایی، منفعت‌طلبی، خردگرایی، رضایتمندی از زندگی زناشویی، نگرش نسبت به فرزند و نگرش منفی به آینده مستقیماً ترجیح باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، سهم هر یک از این متغیرها برابر نیست. متغیر نگرش منفی به آینده با ضریب (-۰/۴۸) بیشترین قدرت را در تبیین ترجیح باروری زنان دارد. متغیرهای فردگرایی (-۰/۴۰)، نگرش نسبت به فرزند (۰/۳۱)، منفعت‌گرایی (-۰/۳۸)، خردگرایی (-۰/۲۲) و رضایتمندی (۰/۲۶) به ترتیب اثربخش‌ترین عوامل در ارتباط با باروری به‌شمار می‌رود.

می‌توان نتیجه گرفت، انتخاب تصمیمات باروری زنان با فرایندها و تحولات اجتماعی - اقتصادی جامعه در ارتباط است و در این میان ناامیدی نسبت به آینده جامعه مهمترین عامل در

کاهش تمایل به باروری زنان شاغل ایرانی است. این یافته با توجه به نظریه گیدنز تبیین می‌شود. مهمترین پیامد مدرنیته در ارتباط با مقوله ترجیح باروری در جامعه ایران، بدبینی نسبت به آینده و فردگرایی است. در واقع این گروه از افراد به دلیل مشارکت اقتصادی و حضور در عرصه عمومی از مخاطرات احتمالی جامعه مدرن آگاهتر می‌شوند و به همین دلیل کمتر اعتماد می‌کنند و بیشتر تحت تأثیر نظامهای کارشناسی قرار می‌گیرند. زمان فراغت، تفریح و لذت بردن از زندگی روزمره در این گروه کمتر است. در عین حال، حرکت جامعه ایران به سمت ارزشهای مدرنیته سهم قابل توجهی در کاهش تمایل به باروری دارد به طوری که روحیه فردگرایی، خردگرایی و منفعت طلبی زنان در این خصوص نقش بازدارنده ایفا می‌کند. طبق نظریه پارسونز در ایران کاهش رضایت از زندگی مشترک از دیگر عوامل مؤثر در کاهش باروری است. افزایش طلاق و وجود طلاقهای عاطفی در نظام خانوادگی بشدت بر ترجیح باروری اثر داشته است. همه این عوامل باعث شده، نوعی بازاندیشی در زمینه باروری زنان شاغل ایجاد شود که سرچشمه این بازاندیشی در تغییر نظام ارزشی جامعه، نهادهای معناساز و تفاسیر زنان از نقش اجتماعیشان سهم قابل توجهی در این زمینه دارد. یافته‌های تحقیق با نتایج تحقیقاتی سازگاری دارد که فردگرایی را عامل مؤثری در افت باروری معرفی می‌کند (آزموده و دیگران، ۱۳۹۴؛ رستگار خالد و محمدی، ۱۳۹۴).

با توجه به نتایج تحلیل مسیر، درآمد زنان از طریق اثرگذاری بر نگرش منفی نسبت به آینده (۰/۴۲) و منفعت گرایی (۰/۴۶) باروری زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. طول مدت زناشویی نیز از طریق تأثیر منفی بر رضایتمندی زناشویی (۰/۰۹-) و نگرش نسبت به فرزند (۰/۰۸-) بر ترجیح باروری تأثیر می‌گذارد. میزان مطالعه (۰/۰۳۲) و میزان تحصیلات (۰/۳۸) با اثرگذاری بر خردگرایی، ترجیح باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. طبق یافته‌های پژوهش استفاده از رسانه با اثر منفی نسبت به آینده (۰/۳۳) و افزایش فردگرایی (۰/۱۸) ترجیح باروری را تحت تأثیر قرار داده است. استفاده از رسانه، مطالعه، درآمد، سن ازدواج و طول زناشویی به صورت غیر مستقیم بر باروری زنان تأثیر می‌گذارد. نتایج پژوهش با یافته‌های برخی از پژوهشگران سازگار است (ادیبی سده، ارجمند سیاهپوش و درویش زاده، ۱۳۹۰؛ شیری و بیداریان، ۱۳۸۸).

در تحقیقات بسیار کمی به نقش متغیرهایی که بیانگر ارزشهای جامعه مدرن شامل رضایتمندی زوجین، فردگرایی، منفعت طلبی و خردگرایی است اشاره شده است؛ اما این پژوهش نشان می‌دهد سهم درونی شدن این نوع ارزشها در جامعه ایران و حتی گسترش آن در شهر نسبتاً سنتی نظیر کرمان رفتار باروری زنان را به شکل معناداری تغییر داده است. مسئله دیگر به نگرش زنان شاغل

در این پژوهش مرتبط است. نگرش پاسخگویان نسبت به آینده و فرزند به کاهش تمایل به باروری منجر شده است. در برخی مطالعات به تأثیر نقش «ترجیح جنسی» یعنی داشتن فرزند پسر در ترجیح باروری زنان کم سواد و غیر شاغل اشاره شده است (شهبازین، غلامی و شهبازین، ۱۳۹۳؛ منصوریان و خوشنویس؛ ۱۳۸۵؛ آزموده و دیگران، ۱۳۹۴). در این تحقیق به دلیل ماهیت نمونه انتخابی (شامل زنان تحصیل کرده و شاغل) این عامل سنجش نشده است.

بر اساس یافته‌های پژوهش موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

با توجه به اینکه طبق یافته‌های این تحقیق، ترجیح باروری بشدت تحت تأثیر نگرش منفی زنان شاغل نسبت به آینده جامعه ایران است، پیشنهاد می‌شود برای ترغیب زنان شاغل به فرزندآوری در رسانه‌ها و دانشگاه‌ها بر ابعاد غیر مادی فرزندآوری تأکید شود. زیرا شواهد و مطالعات نشان می‌دهد در گروه‌های کم درآمد و زنان غیر شاغل، وضعیت فرزندآوری بخرنج و بحرانی نیست. امروزه در جامعه ایران تعداد زنان تحصیل کرده و شاغل در حال افزایش است که طبق یافته‌های این پژوهش نگاه آنها به فرزند و زندگی مشترک، ابزاری است. این گروه از افراد زمان قابل توجهی را در خارج از منزل و محیط کار می‌گذرانند و بیشتر تحت تأثیر ارزشهای جامعه مدرن، روابط رسمی و محیط‌های پر تنش کاری هستند. در چنین وضعیتی هزینه بارداری و فرزندآوری برای زنان زیاد است. از این رو پیشنهاد می‌شود، امتیازات زنان باردار و یا دارای فرزند در محیط‌های کاری افزایش یابد تا انگیزه آنها برای باروری افزایش یابد؛ زیرا در وضعیت کنونی فرزند به مثابه کالایی تلقی می‌شود که داشتن آن نه عقلانی است و نه مورد پذیرش اجتماعی و تشویق اعضای خانواده؛ در عین حال به «فرزند» همچون گذشته نمی‌توان نگاه انتفاعی داشت؛ زیرا امروزه هزینه مراقبت و نگهداری کودکان زیاد است؛ عصای روزگار پیری والدین به‌شمار نمی‌روند و به‌دنیا آوردن آنها از یک سو با خسارتهایی به اندام، زیبایی و سلامت جسمی مادر همراه است و از سوی دیگر به از بین رفتن بخشی از فراغت و آسودگی زوجین منجر می‌شود.

منابع

آزموده، الهام؛ براتی‌فر، سعیده؛ بهنام، هانیه؛ آرادمهر، مریم (۱۳۹۴). ارتباط ترجیح جنسی، فاصله مولید و ترکیب فرزندان بر رفتار باروری زنان. *مجله طنین سلامت*. شماره ۳: ۸ تا ۱۵.

آشفته تهرانی، امیر (۱۳۷۲). *جامعه‌شناسی جمعیت*. اصفهان: جهاد دانشگاهی اصفهان.

ابریشمی، حمید (۱۳۷۵). بررسی رابطه رشد و توزیع درآمد در ایران. *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی*. شماره

۱۷: ۱۲۵ تا ۱۴۰.

- ادیبی سده، مهدی؛ ارجمند سیاهپوش، اسحق؛ درویش زاده، زهرا (۱۳۹۰). بررسی میزان افزایش باروری و عوامل مؤثر بر آن در میان طایفه کرد ساکن اندیمشک. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*. شماره ۴: ۸۱ تا ۹۸.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*. ترجمه مریم وتر. تهران: نشر کویر.
- جوادی‌نیا، علی (۱۳۸۸). *مطالعه تأثیر صور متفاوت استقلال رفتاری زنان بر تغییر رفتار باروری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی: دانشکده علوم اجتماعی.
- جهانفر، محمد (۱۳۷۶). *جمعیت‌شناسی ایران*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- حسینی، حاتم؛ بگی، بلال (۱۳۹۱). فرهنگ و فرزندآوری: بررسی تمایلات باروری زنان کُرد شهر مهاباد. *مجله مطالعات راهبردی زنان*. شماره ۵۸: ۱۲۱ تا ۱۶۱.
- خلیج‌آبادی فراهانی، فریده؛ سرایی، حسن (۱۳۹۱). *قصد و عملکرد زنان و مردان همسر دار ساکن تهران در خصوص عوامل اجتماعی و فرهنگی تعیین‌کننده آن*. گزارش نهایی طرح پژوهشی. تهران: مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- خلیج‌آبادی فراهانی، فریده؛ سرایی، حسن (۱۳۹۲). *قصد تک‌فرزندی و تعیین‌کننده‌های آن در زنان و مردان در شرف ازدواج در تهران*. *فصلنامه مطالعات جمعیتی*. شماره ۱: ۶۱ - ۸۵.
- رستگار خالد، امیر؛ محمدی، میثم (۱۳۹۴). تغییرات فرهنگی و افت باروری در ایران (بر پایه تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان). *جامعه‌شناسی کاربردی*. شماره ۵۸: ۱۵۹ تا ۱۸۰.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۳). *تحلیل جمعیت‌شناختی*. تهران: نشر سمت.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۹). *جمعیت و چون و چراهای آن*. *ماهنامه اقتصاد ایران*. شماره ۱۴۳: ۲۹ تا ۳۸.
- شهبازین، سعیده؛ غلامی، آزاده؛ شهبازین، صفیه (۱۳۹۳). نقش ترجیح جنسی در رفتار باروری زنان شهرستان کنگاور. *مجله علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام*. شماره ۶: ۱۳۳ تا ۱۴۲.
- شیری، طهمورث؛ بیداریان، سهیلا (۱۳۸۸). بررسی عوامل اقتصادی جمعیتی مؤثر بر باروری زنان ۱۵ - ۴۹ ساله شاغل در آموزش و پرورش منطقه ۲۲ تهران. *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*. شماره ۳: ۹۳ تا ۱۰۷.
- ضیایی بیگلری، محمد تقی؛ کلانتری، صمد؛ علی‌زاده اقدم، محمداقبر (۱۳۸۵). رابطه بین میزان باروری کل با توسعه اقتصادی و اجتماعی. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*. شماره ۲۱: ۱۲۲ تا ۱۴۰.
- طاهریان فرد، طیب (۱۳۸۳). *بررسی عوامل مؤثر بر تفاوت نگرش دو نسل متصل از زنان نسبت به مسئله ازدواج و باروری در شیراز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته جمعیت‌شناسی. دانشگاه شیراز.
- عباس شوازی، محمد جلال و دیگران (۱۳۸۱). بررسی دیدگاه زنان در مورد رفتارهای باروری در استان یزد با استفاده از روش‌های کیفی. *نامه علوم اجتماعی*. شماره ۱۶۹: ۲۰ تا ۲۰۳.
- عباسی شوازی، محمدجلال؛ ملیحه، علی‌مندگاری (۱۳۸۹). تاثیر ابعاد متفاوت استقلال زنان بر رفتار باروری آنها در ایران. *زن در توسعه و سیاست*. شماره ۲۸: ۳۱ تا ۵۱.
- عسگری ندوشن، عباس؛ افشانی، سید علیرضا؛ عسگری ندوشن، سمیه (۱۳۹۱). آهنگ توسعه و سرعت کاهش باروری در کشورهای رو به توسعه. *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*. شماره ۴۷: ۸۵ تا ۱۱۰.

- علی محسین، رضا؛ نقیب السادات، سید رضا؛ نامداری بیرگانی، آنیثا (۱۳۸۹). تحلیل باروری زنان؛ عوامل اجتماعی، اقتصادی و دموگرافیکی مؤثر بر آن. کتاب ماه علوم اجتماعی. شماره ۳۴: ۱۲۴ تا ۱۳۷.
- عنایت، حلیمه؛ موحد، مجید (۱۳۹۰). مطالعه رفتار و نگرش باروری دو نسل مادران و دختران و عوامل فرهنگی مرتبط با آن: مطالعه موردی؛ شهرهای گراش و اوز در استان فارس. پژوهشنامه جامعه‌شناسی جوانان. شماره ۱: ۹۷ تا ۱۱۸.
- عنایت، حلیمه؛ پرنیان، لیلا (۱۳۹۲). مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری. فصلنامه زن و جامعه. شماره ۲: ۱۰۹ تا ۱۳۶.
- فروتن، یعقوب (۱۳۸۷). رهیافتی جمعیت‌شناختی به اشتغال زنان: با ملاحظاتی بر وضعیت ایران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. شماره ۶: ۱۷۱ تا ۱۹۲.
- فولادی، محمد (۱۳۹۰). تأملی در سیاست کنترل جمعیت آثار و پیامدهای آن. مجله معرفت فرهنگی اجتماعی. شماره ۱: ۱۵۳ تا ۱۷۹.
- قاضی طباطبایی، محمود؛ نادر، مهری (۱۳۹۲). سنجش تأثیر مسئولیت زنان شاغل بر باروری در ایران. زن در توسعه و سیاست. شماره ۴۰: ۲۹ تا ۴۴.
- قدرتی، حسین؛ یار احمدی، علی؛ مختاری، مریم؛ افراسیابی، حسین (۱۳۹۰). تحلیل سرمایه اجتماعی و باروری زنان در مناطق شهری سبزوار. مطالعات جغرافیایی مناطق خشک. شماره ۴: ۷۹ تا ۹۴.
- کاوه فیروز، زینب (۱۳۶۷). بررسی چگونگی تغییر سیاست‌های کنترل جمعیت طی سه دهه اخیر در ایران و تأثیر آن بر باروری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته جمعیت‌شناسی. دانشگاه تهران.
- کثیری، محمد (۱۳۸۷). عوامل اجتماعی فرهنگی و جمعیتی مؤثر بر باروری (مطالعه موردی زنان ۱۵ - ۴۹ ساله همسر دار شهر ورامین). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه تهران.
- کسل، فیلیپ (۱۳۸۳). چکیده آثار آنتونی گیدنز. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: انتشارات ققنوس.
- کلاتتری، صمد؛ عباس‌زاده، محمد؛ امین‌مظفری، فاروق؛ راکعی بناب، ندا (۱۳۸۹). بررسی جامعه‌شناختی گرایش به فرزندآوری و برخی عوامل مرتبط با آن. جامعه‌شناسی کاربردی. شماره ۱: ۸۳ تا ۱۰۴.
- مشفق، محمود؛ حسینی، قربان (۱۳۹۱). آینده پژوهی تغییرات جمعیتی ایران طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۴۲۰. معرفت فرهنگی اجتماعی. شماره ۱: ۲۱ تا ۴۲.
- منصوریان، محمدکریم؛ خوشنویس، اعظم (۱۳۸۵). ترجیحات جنسی و گرایش زنان همسر دار به رفتار باروری. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. شماره ۲: ۱۲۹ تا ۱۴۶.

- Abbasi-shavazi, M.J. 2006. Fertility decline in the Islamic republic of Iran: 1972_2000. Publishing models and article dates explained. P: 217-237.
- Becker. O. A., et al. 2013. What narrows the stepgap? Closeness between parents and adult (step) children in Germany. Journal of Marriage and Family. 75 (5): 1130 -1148.
- Casterline, J. B. 2001. The Pace of Fertility Transition: National Patterns in the Second Half of the Twentieth Century. In R.A. Bulatao & J.B. Casterline (ed.s). Global Fertility Transition.

- Chandapiwa Butale, M.S. 2008. The Four shifts: family, work, online learning and social participation for-female in-service teachers at the University of Botswana. Dissertation Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy in the Graduate School of the Ohio State University. *Family Studies*. 37 (3): 441-460.
- HDR, 2015, World Development Indicators (WDI), Washington, DC: World Bank. Online available at: <http://databank.worldbank.org/ddp/home.do>.
- Lesthaeghe, R. and J. Surkyn. 2006. When history moves on: Foundations and diffusion of a second demographic transition in R. Jayakody. A. Thornton and W. Axinn (Eds.) . *International Family*.
- Mc Donald, Peter. 2000 .Gender Equity, Social Institutions and the Future of Fertility, *Journal of Population Research*, 17 (1): 1-15.
- Parsons, Talcott. 1998 .Family socialization and interaction process .Printed and bounded in Great Britain.
- Vahidnia, f . 2007. Case study: fertility decline in Iran. *Population* 28: 259-266.
- Watkins. 1987. The Fertility Transition: Europe and the Third World Compared. *Sociological Forum*. 2: 645-673.